

نوروز جشن آفرینش انسان

دکتر مهوش امیرمکری

اشاره: بانو دکتر مهوش امیرمکری پژوهشگر و نویسنده ایرانی است که فارغ التحصیل دانشکده پزشکی تهران است. دکتر امیرمکری در زمینه جشنهای باستانی پژوهشهای ارزشمندی انجام داده و بخشی از آن رادر کتابی بنام نوروز در کالیفرنیا منتشر کرده است. آنچه در زیر میخوانید برگرفته از یک مصاحبه رادیویی است که از رادیو صدای ایران مرکز ماساچوست پخش شده است.

نوروز یکی از عوامل ایجاد وحدت بین ایرانیان بوده است و وحدت ایرانیان نیز یکی از عوامل بقای نوروز در طول تاریخ بشمار میرود. هیچ ملتی را نمیتوانید سراغ بگیرید که تا این حد برای برگزاری یکی از روزهای ملی خود اصرار بورزد. با آنکه نوروز به ملل دیگر هم تعلق دارد اما چرا ایرانی ها در برزگداشت نوروز اصرار دارند؟ پاسخ این سؤال در منشأ این جشن نهفته است.

پیدایش نوروز

ایرانیان باستان به کشاورزی اشتغال داشتند. آنها بهنگام برداشت و یا کاشت و بهنگام بردن احشام خود به آغل های زمستانی جشن های مختلفی برپا می کردند. پادشاهان ایران مردم را به وحدت در برگزاری این جشنها تشویق میکردند. پادشاهان پیشدادی که به دلیل پیشرو بودن در تدوین قانون به این لقب نامیده شدند برای برگزاری جشنها قوانینی تدوین میکردند و از مردم میخواستند که با یگانگی و هماهنگی جشنهای خود را برپا دارند. از جمله این قوانین برپائی جشن نوروز بصورت دسته جمعی بود که هنوز هم پس از گذشت سالها نوروز دسته جمعی برگزار میشود. از نخستین روزی که جشن نوروز به خواست جمشید شاه برگزار شد تا به امروز به هیچ عنوان رنگ مذهبی نداشته است و جنبه اجتماعی آن بر دیگر جنبه ها برتری دارد.

ایرانیان در فلات ایران که از شرق فرات شروع وبه دامنه هندوکش ختم میشود سکنی داشتند. بنابراین تمام کشورهایی که هم اکنون در این محدوده جغرافیائی قرار دارند همه زمانی ایرانی بوده اند و جشن نوروز را گرامی میداشته اند. امروز هم کشورهایی نظیر تاجیکستان و ازبکستان و قرقیزستان و بسیاری دیگر علیرغم جریانهای سیاسی که گاه بگاه بر آنها حاکم میشود اما همواره نوروز را جشن گرفته و می گیرند.

برخی تصور میکنند که جشن نوروز را ایرانی ها از آشوری ها تقلید کرده اند. این درست نیست. برای اینکه ایرانی

ایرانیانی مانند خیام و بیرونی به نوشتن آداب و رسوم ایرانی بویژه نوروز پرداختند. کتاب نوروزنامه خیام و نوشته های بیرونی در حقیقت بزرگترین عامل نگهداری و تداوم نوروز بشمار میروند.

نوروز پس از اسلام

پس از علیه اسلام برایان برگزاری نوروز با مشکلات زیادی همراه بود و حتی در دوره هائی شاهد کشتار ایرانیانی هستیم که میخواستند نوروز را گرامی بدارند. از اینجا ست که ایرانیان با حربه مذهب برای بزرگداشت آئین های خود استفاده کردند. از جمله نقل میکنند که: هر زمان دائی یزدگرد در روز نوروز مقداری شیرینی برای حضرت عمر می برد. از او می پرسند این به چه مناسبت است؟ جواب میدهد امروز نوروز ایرانیان است. خلیفه هم شیرینی را میخورد و میگوید کاش همه روزهای ما نوروز بود در زمان نوادگان هلاکو خان مغول یعنی ارغون پدر غازان خان، نوروز دوباره بعنوان جشن ملی ایرانیان احیا شد. در زمان مغولان فرمانروایان ایران از چنین دستور میگرفتند و ایران پایتخت نداشت.

امیر نوروز یکی از سرداران ایرانی به ارغون گفت بیا ایران را تحت فرمانروائی خود بگیر و دست از بت پرستی بردار و اسلام را بپذیر تا من ترا به تبریز ببرم و بر تخت بنشانم. او قبول کرد و در روز نوروز که مصادف با بر تخت نشستن جمشید بود او را در تبریز بر تخت نشاند. این پادشاه ظاهرا مسلمان و در باطن ایرانی و دل بسته آداب و سنن ایرانی بود.

جشن چهارشنبه سوری

یکی از رسوم رایج در ایام نوروز چهارشنبه سوری است. آیا همیشه در شب چهارشنبه برگزار میشده است؟ خیر. وقتی ایرانیان میخواستند به روستاهای اطراف خود خبر بدهند که سال نو شده است بر بالای تپه ها میرفتند و آتش می افروختند روستای بعدی هم بنوبه خود بر بالای بلندی میرفت و برای آگاهی روستائیان همجوار خود آتش می افروخت تا رسیدن نوروز را به آنها آگاهی دهد این عمل باعث شد که عربها ایرانیان را گبر آتش پرست نامیدند. و خلفای عرب حاضر نبودند که به ایرانیان اجازه دهند که دست به آتش افروزی بزنند منصور خلیفه دوم عباسی اجازه داد که ایرانیان در شب نوروز آتش افروزی کنند بمحض شروع آتش افروزی شعله ها به مردم حمله کرده و گشتند خیر خلیفه دستور داده از آتش افروزی جلوگیری

ها جشن نوروز را شش هزار سال پیش از آشوریا گرامی میداشتند. (حتی بعضی برایان باورند که ایرانی ها خط میخی را هم از آشوریا گرفتند که اینهم درست نیست. از جمله استاد همایون فرخ در کتاب خود می نویسد که آشوریا خط میخی را از ایرانیان آموخته اند.)

تداوم نوروز

اگر تنها به دوران ۲۵۰۰ سال گذشته نظر بیفکنیم متوجه می شویم که چرا ایرانیان تا این حد به نوروز توجه نشان داده اند. در این دوران ایران با حمله اسکندر به ایران، حمله اعراب، و یورش مغولان و تاراج های دیگر روبرو بوده است. همیشه ملل غالب میخواستند تا آداب و سنن و فرهنگ خود را بر قوم شکست خورده تحمیل کنند. پس از حمله اسکندر پارتیان فرمانروای ایران شدند که مذهب برای آنها اهمیتی نداشت و همه مردم را با هر مذهب و باوردینی یکسان میدانستند. این امر باعث وحدت مردم و توجه آنها به جشنهای ملی از جمله نوروز شد. در زمان ساسانیان هم پادشاهان ایران مردم را به برپائی نوروز تشویق میکردند و بسیاری از سنتهای نوروزی که امروز ما به آنها می پردازیم ریشه در این دوران دارد.

اعراب پس از استیلای برایان سعی بسیار کردند تا ایرانیان را از پرداختن به آداب و سنن ملی خود بازدارند. اما ایرانیان بر توجه خود نسبت به این جشنها افزودند و ابتدا در داخل خانه های خود و بدو راز چشم مأموران دولتی به بزرگداشت نوروز پرداختند و در هر زمان که حکام محلی روی خوش نشان میدادند و با آنها همراهی میکردند آن جشنها دوباره جنبه ملی بخود میگرفت و در جمع اجرا میشد. تا آنکه بعضی از سلسله های عرب که بدست ایرانی ها مانند ابومسلم خراسانی به قدرت رسیده بودند خود سرانجام به برگزاری آئین های نوروزی پرداختند. ایرانی ها هر سال بهنگام نوروز هدایای گرانبهائی به حکام عرب میدادند و آنها نیز بطمع این هدایا اجازه برگزاری نوروز را میدادند. حتی بعضی از آنها کلاه ویژه ایرانیان را در زیر عمامه خود می پوشیدند. زمانیکه خانواده برمکی میخواستند نوروز را بصورت همگانی در قلمرو ایران برگزار کنند درباریان اعتراض کرده و گفتند این خانواده میخواستند سنتهای پدران و نیاکان خود را زنده کند و در نتیجه خلفا بصورت ظاهر نمیتوانستند دستور برگزاری نوروز را صادر کنند اما بناچار هدایای بسیار گرانبهائی که از ایرانیان میگرفتند عملا از برگزاری نوروز جلوگیری نمیکردند. با اینهمه در شرق ایران که نفوذ خلفای عباسی کمتر بود